

• موزه و دیدگاه اسلامی*

• مجتبی اکبریان**

کارشناسی ارشد معماری با گرایش فرهنگی-آموزشی از دانشگاه علم و صنعت ایران

• سیدعباس یزدانفر***

دکترای معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

• چکیده:

در شهرهای جوامع سنتی و دینی همیشه بناهای عمومی و شاخص و عمدتاً مقدس نقش ویژه‌ای در بیان ارزش‌های مشترک والای آن جامعه با هدف توجه به خدا و حقایق هستی را به عهده داشتند؛ که با ظهور مدرنیسم و تغییر رابطه انسان با عالم، ضمن تغییر ارزش‌ها و فروکاست آن به صرفاً هدف‌های تجربی بخشی قابل توجهی از این رسالت مهم به، پدیده‌ای نو ظهور با نام موزه منتقل گردید. موزه معاصر نهادی است که با ابژه کردن اثر و قطع ارتباط آن با عالمی که در آن هستی یافته، شناختی ناقص از هستی به دست داده که در آن ارزش‌های فوق‌الذکر دیگر جایی برای عرضه ندارند. این تحقیق با رویکرد پدیدارشناسانه و از طریق استدلال منطقی به مطالعه در خصوص ویژگی‌های مختلف موزه اعم از خاستگاه لغوی و ریشه و بنیان‌های پیدایش و سیر تطور آن از دوران سنت تا تولد موزه با مفهوم مدرن می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، که هرچند پذیرش موزه از طرف نسل امروز در جهت فراهم کردن بستر شناخت و انتقال ارزش‌ها غیرقابل انکار است؛ ولی نوع شناخت در آن که ناشی از نگاه منقطع‌گرا و انسان‌محور مدرن است، به عنوان نقص قابل اعتنا نیازمند بازنگری است. بدین منظور برای نزدیک شدن به شناخت حقیقی به مفهوم ذکر در فرهنگ اسلامی توجه شده و بر اساس آن رابطه‌ای مناسب برای انسان-موزه و طبیعت تعریف می‌گردد. در این نگاه موزه سامانه‌ای است که به عنوان نهادی ویژه از عالم هستی - و در پیوندی تعریف شده با آن - در تلاش است تا در گستره تاریخ و پیوند حقیقی با مکان طبیعی آن، با رویکرد آیه‌ای، نسبت‌های معنوی و فرهنگی-تمدنی (جهان‌بینی‌ها)، یادآوری و بازنمایی شود و در جهت شناخت و رشد و گسترش حیات معقول انسان و ارتباط با نظام آفرینش گام بردارد.

واژه‌های کلیدی: موزه، سوبژکتویسم، ذکر، شناخت، آیه

مقدمه:

داده و همه چیز را بر اساس آن تفسیر و تعبیر می‌کند. به دنبال این تغییر نگاه، نوع معماری و شهرسازی انسان و رابطه او در برقراری ارتباط با محیط مصنوع نیز دچار یک تحول جدی می‌شود. اگر انسان سنتی به دلیل باوری که بر وجود خدا و بعد ماورالطبیعه جهان داشت، سعی می‌کرد تا در معماری و شهرسازی خود فضاهایی که مدام این شناخت را متذکر شوند به وجود آورد. با گسترش تفکر مدرنیسم و تغییر جهان‌بینی انسان از جهان هستی، آن فضاها تقریباً جایگاه خود را از دست داده و در دنیای مدرن فضایی با نام موزه بخش عمده‌ای از بار حفظ ارزش‌های تمدنی و قومی را البته با دیدگاه جدید به دوش گرفت. (همان: ۱۴۳-۱۴۶) از آنجاکه موزه در مفهوم معاصر آن اساساً متولد تفکر اومانیسم-محور رنسانس است و از عقیده برخی از صاحب‌نظران، ظرفیت گرفتن بار حقایق را ندارد؛ این پژوهش با توجه به گسترش روزافزون این گونه از بنا در دنیای معاصر در جهت آموزش و ترویج فرهنگ و... در پی آنست تا با یک برخورد پدیدارشناسانه ضمن شناخت، این بنا را به مسیری مبتنی بر حقیقت نزدیک‌تر نماید.

از مکاتب مختلفی که آن را تعریف کرده‌اند،^۲ از خلق یک توصیف جامع از یک پدیده تجربه شده روزانه برای دستیابی به درک ساختار ذاتی آن تا ارائه مفهوم تفسیری از درک پدیده (بیش از توصیف پدیده که بر پایه تفسیر بنا شده است). متغیر می‌باشد. (عابدی، ۱۳۸۹) پدیده اساساً یک اصطلاح فلسفی بوده و جدا از موجودات جهان، و منفک از عینیت‌های فیزیکی است؛ و در واقع به چیزی دلالت دارد که در وجدان یا ذهن هر فرد به صورت مشخص نمود پیدا می‌کند. (کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۹۷)

پدیدارشناسی را می‌توان شامل دو بخش عمده دانست. بخشی از آن سؤال معرفت‌شناسی درباره چگونگی ادراک و مربوط به ارتباط شخص با پدیده است.

میل به جاودانگی، بقا و اثبات هویت خود به سایرین در انسان امری فطری است. انسان در طول تاریخ همواره سعی داشته تا ارزش‌های مشترک جمعی و باورهای تمدنی خود را از طریق آثار هنری و معماری ثبت و به جهان عرضه کند؛ (نفیسی، ۱۳۸۹: ۴-۸) پس فارغ از اینکه معماری ظرف یک سری از عملکردهاست در بردارنده ارزش‌های یک تمدن و برگرفته از فرهنگ نیز می‌باشد. در اغلب جوامع سنتی، گروهی از بناهای ویژه وجود دارد که محل حفظ ارزش‌ها و باورهای جمعی آن گروه انسانی است؛ و عموماً اصلی‌ترین بار انتقال این ارزش‌ها را به دوش می‌کشد. وظیفه اصلی این‌گونه از بناها حفظ و اشاعه ارزش‌های مشترک مردم آن تمدن بوده و به دلیل ترکیب شدن با کارکردهای مذهبی عموماً فضاهایی پرورش دهنده روح و فطرت حقیقت جوی انسانی بوده و وظیفه ارتباط انسان‌ها، با امور ماورایی جهان مادی و حقایق نهفته در هستی را به عهده دارد. (اکبری‌ان، ۱۳۹۱: ۳)

با ظهور رنسانس در غرب و پیدایش تفکرات اومانیسم، رابطه انسان با محیط دچار تغییری جدی شد. دنیای مدرن عقل‌استقرایی و علم تجربی را حجت و معیار مطلق قرار

روش تحقیق: اگر پژوهش‌های علمی را به دو دسته کلی کمی و کیفی تقسیم کنیم. پژوهش‌های کمی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «کوشش مستمر، سازمان‌دار و عینی، برای بررسی آزمایش علوم بشری و تولید دانش جدید و ارتقاء سطح آگاهی علمی بشر، در پرتو کار پژوهشی» و در مقابل آن پژوهش کیفی اینگونه بیان شده است. «کوششی سازمان‌دار و ذهنی، برای کشف معانی، تجارب روزمره» (Borg & Gall, 2003) بنابراین این پژوهش در محدوده روش تحقیق کیفی بوده و با رجوع به واقعیات موجود و بررسی تاریخی و از طریق استدلالی به بررسی هستی‌شناسانه موزه می‌پردازد؛ که این فرآیند را پژوهش پدیدارشناسی^۱ گویند. هدف اصلی یک روش تحقیق پدیدارشناسی، بسته به پیروی محقق

به معنای محل زندگی موز می‌باشد؛ که در زبان انگلیسی تلفظ «میوزیم» و در زبان فرانسه تلفظ «موزه» را به خود گرفته است. (نفیسی، ۱۳۸۹: ۳۱) موزه در عصر کلاسیک در معنای حقیقی خود و پرستشگاهی برای موزه‌ها^۵ بود. موزه‌ها دختران زئوس^۶ و منموسونه^۷ بودند. زئوس متعالی‌ترین ایزد آسمان، خدای خدایان و پدیده‌های جوی بوده، و منموسونه یک مؤنث و الهه تجسم حافظه است؛ که از زئوس باردار گشت و نه دختر زائید که همان موزه‌ها، الهگان هنرهای نه‌گانه بودند. دانش آن‌ها از جنس معرفت بوده و در یونان باستان آن‌ها عالم به کل عالم و منشأ جهان و پیدایش بشر بودند. (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۲۱)

در واقع کار ویژه موزه‌ها یادآوری تمام دانش زمان بود، که این عمل قدسی در معبد موزه یعنی خانه موزه‌ها انجام می‌گرفت؛ و نیایش مسیر ارتباط انسان با موزه‌ها تعریف شده بود. افلاطون اعتقاد داشت که این نیایش در واقع تذکر و یادآوری است که با تأمل فلسفی امکان پذیر است؛ و با این دیدگاه عملکرد موزه‌ها وسعت یافت و موزه‌ها پاسبان همه دانش و هنر روزگار خود شدند. از این رو موزه محلی برای مطالعه و تحقیق گردید. (مددپور، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۵) افلاطون معتقد بود معرفت در انسان - که با نوشیدن از چشمه فراموشی (چشمه لته^۸) برای حلول در جسم مادی به فراموشی سپرده شده - به صورت بالقوه وجود دارد، که با تأمل فلسفی در موزه می‌تواند به فعلیت درآید. بنابراین ارتباط با موزه‌ها یک سلوک یا نیایش برای یکی شدن با حقیقت آفرینش تعریف شده بود. (دبیری‌نژاد، ۲۲۱۳۸۴)

۱-۲- تعریف معاصر موزه:

ایکوم شورای بین‌المللی موزه، وابسته به سازمان فرهنگی - علمی و تربیتی سازمان ملل متحد یونسکو در بند ۳ و ۴ اساسنامه خود که جامعترین تعریف موزه است، چنین می‌گوید: «موزه، مؤسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان گشوده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. هدف موزه‌ها تحقیق در آثار و شواهد برجای مانده انسان و محیط‌زیست او، گردآوری، حفظ و بهره‌وری معنوی و ایجاد ارتباط بین این آثار، به ویژه به نمایش گذاردن آن‌ها به منظور بررسی و بهره‌وری معنوی است.» (نفیسی، ۲۳۱۳۸۰)

و بخش دیگر آن با سؤال هستی‌شناسانه و ماهیت وجود و دانش ما درباره حقیقت وجودی اشیا سروکار دارد. (حسن‌خانی و دیگران، ۱۳۸۸) در پژوهش پدیدارشناسانه، محقق، پس از گردآوری نمونه‌های متنوعی از پدیده‌های خاص، در طلب هسته‌ی نامتغیری که تشکیل دهنده‌ی معنای ذاتی و ماهوی پدیدارهاست، برمی‌آید. و بدین طریق وقتی که ماهیت کلی دریافت شود پدیدارشناس به شهود ذات نایل شده است. (خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۱۷۵) بنابراین ویژگی‌های یک پژوهش پدیدارشناسانه را بطور خلاصه می‌توان اینگونه برشمرد:

۱. توصیف دقیق مظاهر پدیداری در تجربه‌ی انسانی
۲. با برخورد هر چه امین‌تر با پدیدارها سروکار داشته باشند، و با مخالفت با فروگاهش مفرط تنوع، پیچیدگی، و غنای هرچه بیشتر تجربه را بیان می‌کند. ۳. متوجه چگونگی ادراک و بعد معرفت‌شناسی است. ۴. ناظر به آزادسازی از پیش‌فرض‌های بررسی نشده یا رهایی از تصریح و روشن سازی پیش‌فرض‌ها، (نه انکار وجود آنها) است. ۵. شهود ذات: به شهود ذات یعنی خواص ذاتی و لایتغیر پدیدارها که به ما اجازه می‌دهند پدیدارها را همچون پدیدارهای یک نوع خاص بشناسیم، توجه دارد (گلیپایگانی، ۱۳۸۸).

این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسانه، به طور تخصصی دیدگاه شناختی موزه از بعد هستی‌شناسی، را مورد نقد قرار داده و به دنبال راهی است تا این بنیاد پذیرفته شده نسل امروز را - البته در صورت امکان - به ارزش و شناخت حقیقی خود نزدیک نماید. بنابراین پژوهش به مطالعه در خصوص ویژگی‌های مختلف موزه اعم از خاستگاه لغوی و ریشه و بنیان‌های پیدایش و سیر تطور آن در دوران سنت تا تولد موزه با مفهوم مدرن به هدف یافتن ذات ماهوی و حقیقی می‌پردازد. تا در نهایت بتوان با نقد و بررسی دقیق به تعریفی مناسب‌تر دست یافت و ویژگی‌ها و اصولی را برای آن در جهت اصلاح تعریف نمود.

۱. واژه شناسی

۱-۱. خاستگاه لغتی:

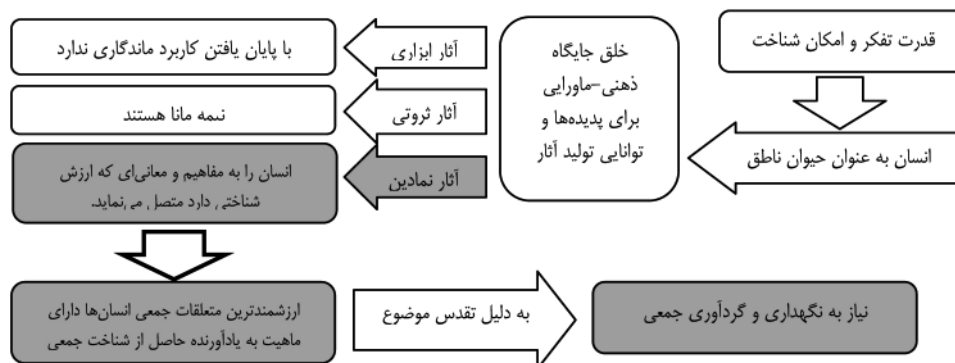
موزه واژه‌ای هندی - اروپایی و از تبار هلنی است، (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴) که ریشه آن از لغت یونانی «موزین»^۳ و

در گردآوری آن بی‌شک همواره همراه انسان بوده است. در جوامع بشری گردآوری به مثابه اهداف و ارزش‌ها در اشکال مختلف انجام می‌گیرد. (نفیسی، ۴۱۳۸۰) و میزان مانایی آثار، ارزش نگهداری و گردآوری آن‌ها را تعیین می‌کند. «آثار ابزاری^۹» با پایان یافتن کاربرد ماندگاری خود را از دست می‌دهند. و «آثار ثروتی^{۱۰}» نیز نیمه مانا هستند، اما «آثار نمادین^{۱۱}» هستی خود را در ماندگاری می‌یابند و از آنجاکه این ارزش‌ها حاصل شناخت جمعی می‌باشد نیاز به نگهداری اجتماعی داشته و در مکانی متعلق به جمع قرار می‌گیرد؛ و به سبب وابستگی حیاتی و ارزشی جامعه به اینگونه آثار حیات جامعه به حیات این اماکن وابسته است. (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۸) در مراحل بعدی تمدن، این مجموعه‌ها نشانگر شیوه‌های اعتقادی و آیینی اقوام مختلف گردید. مجموعه‌های تزئینی و تجملی‌ای که در قبرستان‌های تمدن‌های باستان بین‌النهرین و فلات ایران یافت شده، اعتقاد به زندگی پس از مرگ را نشان می‌دهد. این‌گونه رفتارهای جوامع انسانی سرنخ‌های اولین فضاهای موزه‌ای است. (نفیسی، ۴۱۳۸۰)

طبق تعریف icom در سال ۲۰۰۷ موزه عبارت است از: «یک سازمان غیرانتفاعی، قانونی ماندگار و دیرپای، در مجموعه خدماتی جامعه و عرصه‌ای برای توسعه و پیشرفت بوده و مخاطب آن عموم مردم می‌باشد که آموزش، حفاظت، پژوهش، تبادل اطلاعات و بازنمایی در جهت نیل به اهداف مطالعاتی، تحصیلی و تفریحی، را به عهده داشته و نشانه و گواهی اساسی از مردم و زیستگاهشان می‌باشد.» (icom.com) بنابراین آنچه از توجه به خاستگاه لغتی و تعریف معاصر برداشت می‌شود، یک تغییر نگرش جدی را نمایان می‌سازد. اگر موزه در مفهوم سنتی خود مکانی برای عبادت و تفکر در حقیقت آفرینش معرفی شده بود، موزه معاصر تنها یک نهاد علمی-فرهنگی و در مواردی پژوهشی است؛ که خالی از هرگونه تذکر به حقیقت آفرینش و بعد معنوی و ماورایی مفاهیم و اشیایی است که به بررسی آن می‌پردازد.

۲. بررسی سیر تاریخی فضا و معماری موزه

۱-۲. ریشه‌ها و بنیان‌های تولد گنجینه‌ها در گذشته: مجموعه‌سازی برای انسان امری فطری بوده و ذوق و سلیقه



دیگراگرام ۱. ریشه‌های پیدایش موزه‌ها - آثار نمادین ارزشمندترین متعلقات جمعی انسان‌ها هستند که نیاز به گردآوری دارند. مأخذ: (اکبری‌ان، ۱۳۹۱)

آنچاکه انسان در این مرحله قدرت خود برای تولید و دستیابی به ابزار و آثار بیشتر را در گرو لطف نیروهای ماورایی دانسته، برای افزایش لطف اربابان جهان برتر دست به حفظ جایگاه و نشانه‌های نمادین آن‌ها می‌زند. بدین ترتیب انسان‌ها نشانه‌هایی برای آن اربابان می‌سازند که از جایگاه والایی برخوردار است، این آثار جزو ارزشمندترین متعلقات جمعی انسان‌هاست که باید در جایی حفظ و نگهداری شوند.

۲-۲. موزه‌های اسطوره‌ای:

آنچه انسان را در مسیر شناخت قرار می‌دهد، رویارویی او با موضوعات است؛ انسان اولیه در برخورد با واقعیات عینی جهان با گسست‌هایی روبرو می‌شود که منطقی‌توان برخورد با آن را ندارد؛ بنابراین به فضای ماورایی که ساخته ذهن خود است پناه می‌برد.^{۱۲} و با شکل‌گیری تمدن و جوامع انسانی این شناخت شکل فرهنگی و اجتماعی به خود گرفته و از

صفات او) پیدا می‌کردند و عموماً هنری بودند. (همان: ۴۶) از آنجاکه دین باوری مشترک است، قداست پدید آمده از این آثار در جامعه فراگیر می‌شود و نگهداری و حفظ آن به پدیده‌ای اجتماعی بدل می‌گردد. پس در حرکتهای برآمده از ایمان آثار ارزشمندی گردآوری و مکان خاصی را به پرستش اختصاص می‌دهند؛ که البته نه این اماکن تنها برای نگهداری آثار بنا شده بود و نه این آثار جایی شایسته تر از آن برای خود داشتند. اماکن مقدس به سبب نیاز مشترک عبادت و پرستش به وجود آمده که نیازمند ابزاری است. و ابزار این عبادت همان آثار مقدس است. در این مرحله مساجد و کلیساها جانشین عملکرد موزه بودند. و تفکر موزه‌ای با همان رفتارها در این اماکن رسوخ کرد.

به سبب وابستگی حیاتی و ارزشی جامعه به اینگونه آثار حیات جامعه به حیات این اماکن وابسته بوده و عمل گردآوری و نگهداری در این زمان نیز به سبب ارتباط با موضوعی مقدس عملی ماورایی و مقدس تلقی می‌گردد. (دبیری نژاد، ۴۲۱۳۸۴)

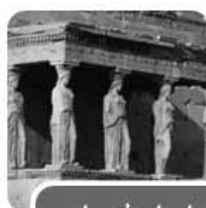
۳-۲. موزه‌های دینی:

با ظهور ادیان الهی در جوامع اسطوره‌ای و شناسایی خداوند بسیط، دیگر وسعت او و صفاتش قابل جمع در موزه نبود، اما نفس یادآوری بر جای ماند. در نظام جدید دینی رابطه انسان با خدا در پرستش معنا پیدا می‌کرد و پرستش در واقع حرکت در مسیر شناخت بود، بنابراین آثار تنها هدف وجودی خود را در تجلی صفات خدا و تذکر وجود او (مجموعه



بنیان‌ها

- میل به گردآوری فطری است



موزه‌های اسطوره‌ای

- گردآوری مقدس و الهه‌ها
- حیات جامعه وابسته به حیات این اماکن است.



موزه‌های دینی

- با ظهور دین خدای مطلق بجای الهه‌ها
- معبد وظیفه حفظ ارزش‌ها



موزه‌های مادی

- با تحولات رنسانس و انسان محوری
- شکستن قداست‌ها و فاعل شدن انسان

دیگرام ۲. سیر تطور تاریخی موزه‌ها- با بدین طریق عالمی سراپا انسانی شکل می‌گیرد که معیار آن بر پایه انسان و ادراک اوست که دیگر از رجوع به اصل و منشأ آفرینش اثری نیست- مأخذ: (اکبریان، ۱۳۹۱)

سراپا انسانی شکل می‌گیرد که معیار آن بر پایه انسان و ادراک اوست. (فن‌نادر-رینر، ۱۳۸۸) تغییری شرایط و دگرگونی در نگاه به زمان، زمان مادی را به وجود می‌آورد. زمان جدید تنها رو به جلو و تکامل‌گرا است، و نگاه خطی به زمان در دوران مدرن، موزه‌ها را به فراموش‌خانه‌ای برای جای دادن تمدن‌های مرده و پایان یافته بدل می‌کند. و در حقیقت موزه آزمایشگاهی می‌شود که در آن، آثاری که روح مکان و زمان را در ساحت زنده خود از دست داده‌اند مانند اجساد مردگان کالبدشکافی و تشریح شوند. (دبیری نژاد، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۵)

۴-۲. موزه‌های مادی (تحولات رنسانس و نهادینه شدن موزه‌ها به معنای امروزی آن):

آغاز تاریخ موزه به عنوان نوعی ساختار مدرن به زمان رنسانس باز می‌گردد. رنسانس از ریناسکنتیا^{۱۳} مشتق شده که به معنی تولد دوباره است. روح این دوره گسست انسان و هستی و زمان و مکان و ... از هم می‌باشد و بدین طریق باور وحدانی انسان دچار تزلزل می‌گردد. این گسست از دنیای ماورایی انسان را با تجربه استقلال آشنا کرده و کشف استقلال انسان را به طغیان و حذف وابستگی می‌کشاند و بدین طریق عالمی



(مطهری، ۱۶۱۳۶۷) از طرفی بر اساس آنچه مطرح شد، والاترین رسالت مورد انتظار از بناهایی که در طول تاریخ ماهیت یادآورنده داشته‌اند نیز، فراهم آوردن بستر شناخت قلمداد می‌شود؛ اما اینکه نوع شناخت در موزه‌های مدرن با رویکرد «سوبژکتویسم»^{۱۷} واجد چه ویژگی‌ها، امکانات و محدودیت‌هایی است، لازم می‌نماید تا برای درک تعیین جایگاه انسان و ارتباط او با عالم در نگرش مدرن ابتدا مبحث سوبژکتویسم به طور خلاصه مورد توجه قرار گیرد.

۱-۳. تغییر در نوع جهان‌بینی و شناخت اساس شکل‌گیری جهان مدرن

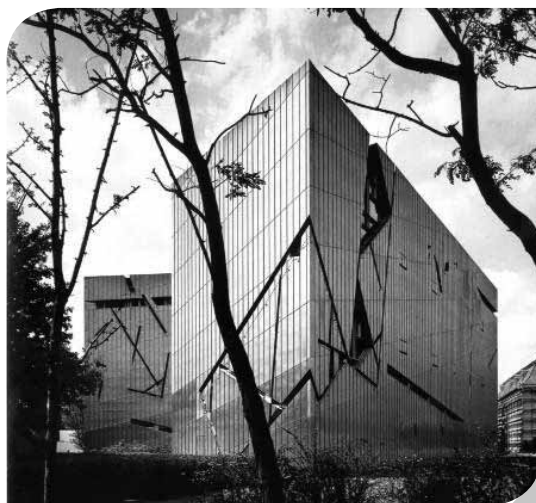
دکارت به عنوان یکی از پایه‌گذاران اندیشه مدرن با بنیان نهادن مرکز ثقل نظام فلسفی خود بر «من اندیشنده»، جدایی و شکاف بین سوبژه و ابژه را بنا نهاد؛ و موضوعیت انسان در فلسفه باعث شد که همه چیز مورد توجه و متعلق شناخت انسان معنا پیدا کند. (اسفندیاری، ۱۳۸۸) «البته منظور دکارت از ابژه، معنای جدید آن که عبارت از اشیا خارجی و اعیان آن باشد، نیست؛ بلکه منظورش قلمرو ذهنی تصورات و تمثالات اشیا است.» (Cottingham, 1988) بدین طریق موجودات در عصر جدید وابسته به انسان و ادراک او شده و منشأ آثار نه عالم بیرون که دریافت‌ها، آرزوها و روانیات انسان مدرن است. بطوریکه در اواخر قرن ۱۹ و ۲۰، هنر عرصه ظهور دریافت ذهنی انسان از پدیده‌های عالم گشت، که در واقع هنر را بازتاب درون انسان می‌دانست. (شپرد، ۵۸۱۳۷۵-۷۲) بدین صورت دکارت، جهان را از کل حقیقت هستی‌شناسانه آن به استثنای جنبه کمی‌اش تهی کرد که منجر به پیدایش مفهوم مکانیکی از نظام طبیعت به عنوان یک شیء تهی از هرگونه واقعیت معنوی و بدون هدف و غایتی گردید. (اکبری‌ان، کاظمی، ۱۳۹۲) بطور کلی می‌توان گفت که در جهان معاصر مدرن، انقلاب صنعتی و انقلاب اطلاعاتی منجر به ظهور انبوهی از ایسم‌ها شده که به دلیل درک مکانیکی انسان از جهان منجر به ادراک غلط از هنر ساختن گردیده است. (الکساندر، ۱۳۹۰-۱۲)

جهان مدرن که با تمایز «ابژه»^{۱۴} و «سوبژه»^{۱۵} و نیز محوریت بخشیدن به سوبژه توسط دکارت و پس از او کانت آغاز شد، ارتباط انسان و جایگاه او در ارتباط با عالم را عوض می‌کند، چنانکه انسان را نه تنها سازنده که منشأ جوهری هر چیز می‌داند. (بلخاری، ۱۳۸۹) بنابراین موزه مدرن را می‌توان دستاوردی «ذهنی»^{۱۶} دانست که با سوبژه شدن انسان به وجود آمده و ارتباطی ذهنی را بین سوبژه و ابژه پدید می‌آورد؛ بنابراین موزه در این دوران ماهیتی علمی به خود گرفته و با گسترده شدن حوزه موضوعی علوم و تکتیر آن، حوزه موضوعی موزه نیز گسترده می‌شود و از وحدت دور می‌گردد. با این برخورد دیگر تذکر و رجوع به اصل و گذشته ازلی که سرآغاز تفکر حقیقی است، فراموش شده و متدولوژی جایگزین آن می‌گردد. در سال‌های اخیر موزه‌های معاصر به زمینه جذاب فعالیت معماران بدل گشته، چراکه این‌گونه از ساختمان به مثابه آخرین دژ مستحکم طراحی است، که آدم هنوز هم می‌تواند به ایده‌های هنری در آن روی آورد. به اعتقاد و تفکر معماران مدرن این ساختمان، بهتر از هر حوزه دیگر می‌تواند نشان دهد، که معماری باید چالشی برای هنر باشد نه تابع و فرمانبردار آن؛ و موزه به عنوان اثر هنری معماری به حق بدون رقیب و قاطعانه این مفهوم را کاملاً جا انداخته است. (فن‌نادری-رینر، ۱۳۸۸) البته باید توجه نمود که این برخورد شاید برای بسیاری از جوامع مدرن، درخور و کارا باشد. چراکه اساساً بسیاری از این جوامع در سیطره رکوردزنی و خودنمایی دنیای مدرن به هر امکانی نظیر دنیای رسانه، معماری و یا ... متوسل می‌شوند. نظیر این برخورد را می‌توان در موزه‌های یهود در آمریکا یا اورشلیم یا برلین مشاهده کرد که چگونه با استفاده از فضاها عجیب و مسخ‌کننده یا فرم‌های عجیب و جلب‌نظرکننده، سعی در تبلیغ خود و اثبات حضور خود دارند.

۳. مسأله شناخت و اهمیت آن در معماری موزه

«دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است. مکتب و ایدئولوژی بر پایه جهان‌بینی است و جهان‌بینی بر پایه شناخت و از اینجا می‌توان به اهمیت مسأله شناخت پی برد.»





شکل ۱. نمای بیرونی موزه یهود- نمودی از هنر با بازتاب انسان محور دنیای مدرن مأخذ: نگارنده

باعث می‌گردید تا نگاه به هر پدیده نگاهی مستقیم و برابر با وجود حقیقی اثر باشد؛ مدرنیسم با سوژه کردن انسان و ابژه شدن دیگر موجودات عالم اعم از خدا و طبیعت و تاریخ و هنر، مانع از عیان شدن حقیقت موجودات بر انسان گردیده و اثر یا همان «ابژه» مدام در این فرآیند بی هویت‌تر می‌گردد. در واقع تقلیل مفهوم هنر از یک پدیده مثالی به جهان بینی شخصی، جهان معاصر را جهانی با برداشت‌های شخصی معرفی کرد. (بلخاری، ۱۳۸۹) بدین طریق، موزه به پدیده‌ای بدل گشته که در آن معنا و حقیقت به قیمت نمایش تنزل می‌یابد؛ این برخورد سبب پیدایش هنر در مفهوم جدید خود-یعنی آرت^{۱۸} - شد که این پدیده دیگر روح قدسی خود را از دست داده و صاحب اعتباری مادی شده است. در نهایت می‌توان موزه را وسیله انجماد ذهن و احساس در ابعاد زمان دانست.

۲-۳. نوع شناخت در موزه‌های معاصر

از آنجاکه موزه معاصر نیز زاینده تفکرات مدرن با رویکرد سوژکتویسم با ویژگی‌های که شرح آن گذشت می‌باشد؛ موزه‌های معاصر در اغلب موارد یک مفهوم را خارج از بستر زمانی و مکانی خود ارائه می‌دهند. موزه مدرن به اشیا و روابط و مفاهیم با دید علمی و سطحی می‌نگرد و بدین ترتیب به جای تجلی‌گاه و اعتلای فهم انسان از حقیقت وجودی هر شیء یا رابطه، نمایشگاهی برای تجلی برداشت‌های سطحی افراد از برهم زدن نوع رابطه بین زمان و مکان و یک اثر یا پدیده است.

این برخورد در موزه‌های معاصر، سبب پیدایش هنری جدید گردید که متفاوت از هنر سنتی است. اگر در جوامع سنتی برقراری یک رابطه وجودی میان انسان و آثار پیرامون او



شکل ۲. موزه هولوکاست- نمودی از موزه‌های معاصر در به کارگیری حداکثر قابلیت‌ها در ایجاد احساس

با اغوای شیطانی گمراه کننده او خواهد بود. (آوینی، ۱۳۷۷)

برای دست یافتن به معیاری در جهت نیل به شناخت حقیقی استاد مطهری معتقد است در مسائل کلی همیشه میان حقیقت بودن و مفید بودن تلازم است. حقیقت، به دلیل اینکه مفید است باقی می ماند. قرآن حق را قابل بقا می داند؛ ولی برای باطل، حق بقای جاودانه قائل نیست. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۸۰): بنابراین نظامی درست است که در آن نسبت واقعیت با حقیقت یکی باشد. در عالم طبیعت واقعیت یک مرتبه و شناختی از حقیقت است. و به همین دلیل مفید، کارآمد و سودمند است. حقیقت در عالم یک امر ثابت و تغییر نیافتنی است.^{۲۱} و هرچه این نظام به حقیقت نزدیکتر گردد زیباتر و خیر است. (ندیمی، ۱۳۹۲) بنابراین می توان امری را مبتنی بر حقیقت دانست که بازتابنده صور الهی باشد،^{۲۲} چراکه در منظر اسلام آنچه که سبب تزکیه و بازتاب حقایق عالم گردد واجد ارزش دانسته می شود. بنیان های حکمی، فتوت نامه های صنعتگران، و نیز تأییدات علم الجمال اسلامی، گنجینه های بی نظیری از عشق و هنر در سراسر جهان آفرید؛ که جریان معانی هنر را تمثال و تجلی هنر الهی با استناد به سیر و مکاشفه هنرمند می دانست. و به هر حال هنر در اسلام عرصه رازگشایی از زیبایی های باطنی عالم است. (بلخاری، ۱۳۸۹)

در نهایت می توان به دستور مستقیم قرآن بر پذیرش کدام گونه از هنر دقت نظر داشت. قرآن کریم در مورد هنر تنها در قالب شعر و شاعران و در آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷ صراحتاً سخن گفته (همان) و شعری را مورد تأیید قرار می دهد که متصف به «ذکر کثیر»^{۲۳} باشد. (قرآن کریم، سوره شعرا، آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷) در قرآن از نوادر مواردی که با صفت ذکر کثیر ارائه می شود همین مورد است که اشاره به خلاقیت هنری دارد. و شاعران به صورت عام نماینده هر فعالیت هنری است که منجر به خلق می شود. قرآن در ابتدای همین آیه هرگونه شعری که خارج از این صفت ذکر کثیر باشد را گمراه کننده می خواند. (نقی زاده، ۱۳۹۱)

در جوامع غربی نیز امروزه نقدهای بسیاری بر موزه ها و شناختی که ارائه می دهند وارد شده است، چنانکه در دوران های متأخر موزه از سطح میانجیگری میان انسان و شیء دور و تبدیل به پدیده ای می شود که در اندیشه و شرایط نگرش انسان تحوّل ایجاد کرده و این تغییر از آن وضعیتی می سازد که هم اثر می گیرد و هم اثر می پذیرد، تا در هر لحظه شناختی مجدد را پدید آورد و به هر انسان امکان تجربه شناخت دوباره یک اثر را بدهد. (فن نادری-رینر، ۱۳۸۸) این نخستین تلاش هایی است که در موزه های دنیا برای رفع آسیب عدم شناخت حقیقی انجام می گیرد. در واقع موزه های متأخر در صدد است، تا یا بهره گیری از تمام امکانات نظیر صوت، نور، بافت و ابزارهای شبیه سازی و مولتی مدیا یک مفهوم را در بستر حقیقی مکانی و زمانی خود و در تدوام با فرهنگ و تمدنشان ارائه نموده تا شناختی کامل تر و همه جانبه تر از آن مفهوم به دست دهد.^{۱۹} اما آیا این برخوردها برای ارائه یک شناخت مبتنی بر حقیقت و اعتلای فهم انسان کافی، یا حتی در مسیر درست است؟

۳-۳. شناخت حقیقی

برای یافتن و تعریف شناخت حقیقی توجه به این نکته لازم است که در برخورد با مکاتب با دو دیدگاه کلی مواجه می شویم، یکی آنکه شناخت حقیقی را اصلاً غیر ممکن می دانند و عده ای که آن را ممکن می دانند. در میان مکاتبی که شناخت را ممکن می دانند نیز دو مساله اصلی مطرح است. مکاتبی که شناخت حقیقی را ممکن ولی اصلاً جایز نمی دانند؛ مانند آنچه که در تورات تحریف شده و خواست خدا را بر عدم معرفت و شناخت حقیقی انسان می دانند؛ و مکاتبی که مانند اسلام بر لزوم شناخت حقیقی تأکید کرده اند. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۸-۳۰) ^{۲۰}

تفکر اسلامی معتقد است که همه آنچه که خارج از دایره هنر حقیقی است، انسان را به دام غفلت می کشاند و اغواگر انسان خواهد شد. در آیه الکرسی، «اغوا» در مقابل «ارشاد» تعریف می شود، هنری که از حقیقت تراوش می کند لزوماً انسان را به طریق ارشاد هدایت خواهد کرد و غیر از آن هر آنچه باشد



نمود خارجی همان حقیقت درونی است که می‌گذرد. اما توجه به حقیقت ذکر و استعمالات آن در روایات و آیات، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که معنای حقیقی ذکر، همان توجه درونی و قلبی است و اساساً به یاد کسی بودن، از مقوله لفظ نیست. (مصباح‌یزدی، ۲۱۱۳۸۴)

آن چیز که در باب این نوشتار لازم به پیگیری است توجه به اهمیت شناخت اجتماعی از دیدگاه اسلام است که بسیاری از علمای دین بر آن تأکید کرده‌اند. (مصباح‌یزدی، ۱۰۳۱۳۸۴) از دیدگاه استاد مطهری جهان‌بینی و ایدئولوژی هر فرد یا جامعه‌ای از شناخت نشأت می‌گیرد. بنابراین تمدن و فرهنگ، نیز که تبلور جهان‌بینی باشد، زاییده شناخت است. (هنرسرا، ۱۳۸۶) از آنجایی که یک جامعه، هویت خود را از طریق جهان‌بینی و ایدئولوژی تبلور یافته در فرهنگ و تمدن خویش بازشناسی می‌کند، لازمه یادآوری جمعی و کلان برای یک جامعه ایجاد نهادهایی چون موزه می‌باشد که بازگوکننده، هویت فرهنگی-تمدنی وی است تا از طریق آن بنیان‌های شناختی خود را مورد ارزیابی قرار داده و به اصلاح و تکمیل آن بپردازد (همان)

۲-۴. کاربرد ذکر در معماری

باید متوجه باشیم در دنیای مادی آنچه که واقع یافته صورتی مثالی از یک حقیقت است؛ خداوند تمثیل را طریق تذکر انسان می‌داند و برای تذکر و رهایی از زندان هولناک غفلت، تمثیل را بکار می‌گیرد. اما برای آنکه انسان غفلت زده برای وصول به حقیقت تذکر یابد؛ لزوماً باید عکس مسیر تمثیل یعنی تأویل را طی کند، و از آن طریق، به حقیقت پی ببرد. (ارجمندی، ۱۳۹۰) جهان کلمه‌ای است که در ازل صادر شده و جهان طبیعی نمادی از واقعیت فوق طبیعی است. (گنون، ۱۳۸۲) از این روست که انسان در مخلوقاتش در واقع تنزیل را به جای تمثیل به کار می‌برد؛ انسان با تنزیل رمزپردازی می‌کند، و در مقابل، با تأویل حقایق رمز را در می‌یابد. اما از آنجا که انسان به زبان فطری خود را درک می‌کند، بین این تمثیل و تأویل زمانی نیست و مرحله‌ای طی نمی‌شود. (حسینی و دیگران، ۱۳۸۷)

۴. تبیین ماهیت رابطه انسان- موزه

بر اساس آنچه گفته شد، باید به دنبال راهکاری برای ارائه شناختی حقیقی در موزه بود، مکتب اسلامی و بسیاری از مکاتب الهی معتقدند که شناخت حقیقی تنها از راه توجه به حقیقت عالم یا به عبارتی «ذکر» فراهم می‌گردد. (مطهری، ۱۸۱۳۶۷) هدف این نوشتار نیز استفاده از این اصل در باز تعریف موزه می‌باشد.

۱-۴. معانی ذکر:

در قاموس آمده: «ذکر بکسر اول به معنی حفظ شیی است در صحاح گفته: ذکر و ذکری خلاف نیسان است. طبرسی در ذیل آیه ۴۰ بقره فرموده: ذکر حفظ شیی و ضد آن نسیان است... راغب می‌گوید: گاهی مراد از ذکر هیئت نفسانی است که شخص بواسطه آن می‌تواند آن چه از دانائی بدست آورده حفظ کند و آن مانند حفظ است الا آنکه حفظ به اعتبار نگهداشتن و ذکر به اعتبار حاضر کردن آن در ذهن است. و گاهی بحضور شیی در قلب و هکذا بقول اطلاق می‌شود. تذکره به معنی پند دادن و چیزی را در به یاد کسی آوردن است. تذکر از باب تفاعل به معنی یاد آوری است. ناگفته نماند معنای جامع همان یادآوری به قلب و زبان است^{۲۴}» (قاموس قرآن، ۱۳۹۲، tebyan.com)

همانطور که گفته شد در یونان باستان منموسونه، مادر موزها یعنی منشاء و سرچشمه هنرها والهه «یاد» است. به همین دلیل لفظ «Memory» انگلیسی به معنای خاطره، ذاکره و یاد از آن گرفته شده است. از سوی دیگر بسیار قابل توجه و اهمیت است که در نگاه اسلام نیز منشاء تفکر و کار هنری و بلکه زندگی تکاملی انسان ذکر است.^{۲۵} در اسلام هدف از آفرینش انسان دستیابی وی به معرفت حقیقی بوده^{۲۶} و «معرفت و شناخت اصیل محصول ذکر است.» (مطهری، ۱۸۱۳۶۷) ذکر دارای معانی و کاربردهای متعددی است که مهم‌ترین کاربرد آن در مقابل «غفلت» و «نسیان» است. این دو کاربرد در قرآن نیز ذکر شده است. حقیقت ذکر در درون انسان و در قلب او عینیت می‌یابد و ذکر لفظی تنها



به این هدف دست یافت. اما قبل از هر تعریفی توجه به این نکته ضروری است که ذکر خصلت تمام شهر اسلامی است و خاص موزه نمی‌باشد. و بر اساس تفکر اسلامی اختصاص فضایی با عنوان موزه -آن هم با این جهان بینی و اساسی که معرفی گشت- به هدف ذکر شاید کاری بیهوده و بی معنا قلمداد گردد. بنابر آنچه مطرح گشت مقاله حاضر با عنایت به تعریف و مقام ذکر در اسلام انتخاب بنیادی به عنوان موزه را در جهت حفظ ارزش‌ها اساساً مطرود و ناتوان از ارائه شأن حقیقی مفاهیم می‌داند. اما با توجه به گسترش روزافزون این بنا در دنیای معاصر و بالاخص کشور ایران در جهت انتقال ارزش‌ها (نظیر موزه‌های دفاع مقدس) مقاله حاضر در صدد است، تا با معرفی راهکارهایی از منظر ذکر حتی المقدور از آسیب‌ها و عیوب آن بکاهد. (ندیمی، ۱۳۹۲، مصاحبه)

بنابراین منظور از «ذکر» در این مقام فراهم کردن بستری متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های هر موزه برای تأمل و اندیشیدن (به طور کلی)، و همچنین بازشناسی و یادآوری ابعاد هویت فرهنگی و تمدنی ایرانی-اسلامی است تا منجر به ارتقا حیات متأمل انسان و اعتلای فهم او گردد. بنابراین موزه از دیدگاه این تحقیق: «سامانه‌ای پایدار است که بواسطه آن تلاش می‌شود تا در گستره تاریخ و پیوند حقیقی با مکان طبیعی آن، با رویکرد آیه‌ای، نسبت‌های معنوی و فرهنگی-تمدنی (جهان بینی‌ها)، یادآوری و بازنمایی شود بطوریکه حیات معقول انسان و نظام حقیقی آفرینش شناخته شده، و در جهت رشد و گسترش گام بردارد.»

۵-۱. ویژگی‌های موزه تعریف شده (راهکارهای عملیاتی نمودن تعریف)

بر اساس مطالعات انجام شده در طول پژوهش و با عنایت به تعریفی که از موزه مطرح گشت، می‌توان ویژگی‌هایی را برای یک موزه مطابق با اهداف این پژوهش مطرح ساخت؛ در واقع این ویژگی‌ها راهکارهایی برای عملیاتی نمودن تعریف این پژوهش بر اساس مفهوم ذکر است. باید توجه نمود که هر یک از این ویژگی‌ها از دیگری خالی نبوده و هر چهار ویژگی مطرح شده در کنار هم زمینه تأمل و بالطبع آن شناخت و

در تفکر دینی، هر پدیده آیتی است از حقیقتی والا و ازلی، و همه پدیده‌ها، حقیقت و نشانه حق تعالی هستند، و انسان مجرایی است که از طریق آن نور وحی الهی بر عالم خاک و مخلوقاتش می‌تابد. (زرشناس، ۱۳۷۲) استاد مطهری در اینباره حقیقت شناخت آیه‌ای در عالم را مطرح می‌کند. شناخت آیه‌ای همان است که قرآن از آن تعبیر به «آیه» کرده است، مانند این آیه که در قرآن آمده است: «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم» و یا این آیه شریفه: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل»؛ بنابراین ایشان معتقد است، که اکثر شناخته‌های ما در جهان، شناختی است که نه حسی مستقیم است. (یعنی همان شناخت احساسی سطحی) و نه منطقی محض با علمی تجربی، که خود موضوع، قابل تجربه و آزمایش باشد؛ بلکه احساس ما به آیه‌های شیء تعلق می‌گیرد ولی ذهن ما همواره از آیات و آثار، مؤثر را در ورای آن می‌بیند.» (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۶)

در نشانه‌گذاری شهری و چه به طور عام در شهرسازی و معماری، تمثیل از طریق مثال و نشانه، راهی است که به بهترین نحو بر «اصل ذکر» دلالت دارد. تمثیل‌گرایی، ظهور حقایق این جهان به صورت انتزاعی و از طریق نشانه‌هاست. (ارجمندی، ۱۳۹۰) «طبیعی است که اصلی‌ترین موضوع این تذکر باید ارزش‌های الهی و بهترین جایگاه انسان در هستی و شیوه‌های وصول به این جایگاه باشد.» (نقی‌زاده، ۱۳۹۱)

۵. تعریف موزه به اعتبار این نوشتار

بر اساس هر آنچه گذشت راهبرد این پژوهش برای بازتعریف موزه استفاده از مفهوم ذکر و در ادامه تلاش در جهت عملیاتی کردن آن است. ذکر حقیقی عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی انسان بوده، و اینچنین دگری عبارتست از توجه و گرایش قلبی به اصل هستی و جریان وجود خویشستن که نتیجه‌اش تعلق مشیت الهی بر آماده ساختن شخص ذاکر برای به فعلیت رساندن استعدادهای مثبتی است که در وجودش به ودیعت نهاده شده است. و تنها با نگاه آیه‌ای به عالم و درک جایگاه حقیقی و فهم متعالی مفاهیم و اشیا هست که می‌توان



۵-۱-۲. حضور قلبی (توجه به حقیقت عالم هستی و حضور در آن): وجه دیگری که با توجه به مفهوم ذکر از آن برداشت می‌شود، حضور قلبی است. موزه باید نقش خود را با ایجاد موقعیتی برای «حضور» انسان و توجه او به عالم و درک سطوح مختلف حقیقت مندرج در آن ایفا نماید؛ تا با قرارگیری در بطن روابط درست و منطقی میراث‌های فرهنگی-تمدنی و فهم جایگاه و نسبت میان خود و آن، انسان را به کشف قابلیت‌های بی‌کران نهفته در این نظام هستی نائل نموده و با شناخت درست و قلبی به رشد و تعالی هر دو-انسان و نظامات عالم-کمک نماید، آنچه که در نظام زندگی مبتنی بر سنت قابل پیگیری و ردیابی است. (هنر سرا، ۱۳۸۶) بنابراین باید تلاش شود در ایجاد فهم درست از اشیا و مفاهیم از تمام شرایط زمانی و مکانی و تمام حواس انسانی برای ادراک هر چه کامل‌تر استفاده شود. در موزه‌های متأخر در دنیای غرب در این زمینه موفق عمل نموده و امکانات و حواس را برای ادراک و فهم انسان به کار گرفته‌اند.^{۳۷} این ابتدایی‌ترین قدم است تا موزه از حالت تابلویی جهت ارائه اشیا مرده خارج شده و در تعاملی پویا با انسان به ادراک مفاهیم کمک نماید. در این راستا استفاده از حداکثر امکانات نظیر دما، صوت، بو و... توصیه می‌گردد.

۵-۱-۳. لزوم برخورد آیه‌ای با موضوعات: در سرتاسر تاریخ معماری رجوع به طبیعت و یا تولید آثار به عنوان جلوه‌ای از جمال خداوند به چشم می‌خورد همانطور که بسیاری از صاحب‌نظران نظیر الکساندر نیز معتقدند که زیباترین آثار معماری تنها زمانی رخ می‌دهد که با نیت پاک و در هماهنگی با نظام آفرینش و جلوه‌ای از او باشند. بطور کلی در عالم دوگونه برداشت از طبیعت و هستی به چشم می‌خورد. گونه اول که می‌توان آن را تشبیهی نامید به دنبال فهم صورت بوده و ایده گرفتن از هستی و طبیعت در این مکاتب بصورت شکلی و روینایی است مانند آنچه در یونان باستان از تناسبات بدن انسان در ساخت بناها و... الهام می‌گرفتند. و گونه دوم که شناخت تنزیهی است؛ پا را فراتر گذاشته و به دنبال فهم قواعد نهفته در صورت‌ها است. این‌گونه از برخورد که بیشتر در مکتب ایرانی-اسلامی به چشم می‌خورد، سعی در نمود

اعتلای فهم انسان از حضور در عالم را فراهم می‌آورد. ۵-۱-۱. پیوند حقیقی با عالم (هر مفوم در بستر حقیقی خود): از آنجایی که یک جامعه، هویت خود را از طریق تاریخ و محیط طبیعی از یک سو و از طریق جهان بینی و ایدئولوژی تبلور یافته در فرهنگ و تمدن خویش از سوی دیگر با شناسی می‌کند، لازم است تا در ارائه مفاهیم به شخص در بستر موزه، توجه همه جانبه در ارتباط آن مفهوم با مکان، زمان، فرهنگ و تمدن- بصورت حقیقی و در ارتباط باهم به عمل آید تا زمینه ارائه شناخت حقیقی فراهم آمده و بتواند ذاکر را به مفاهیمی متعالی‌تر در عالم متوجه گرداند. لکساندر مهمترین معضل معماری امروز را ادراک غلط از هندسه و سرشت نظم می‌داند. او در ادامه می‌نویسد: «حیات و لذت از زندگی زمانی رخ می‌دهد که حقیقت را لمس کنیم و این حیات تنها زمانی رخ می‌دهد که زندگی در حد اعلائی معنویت خود باشد، زمانی که از قید همه چیز رها و سرمست از وجود خدا باشیم... و این تنها زمانی رخ می‌دهد که کلیتی فاخر ما را احاطه کرده باشد و از قید و بند هنرهای شخصی و مدسازی رها باشیم.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۳۰-۵۰) از منظر این نوشتار اساس اشاعه بنیادهای دنیای مدرن چون موزه زمانی پذیرفته است که قدمی در راستای اعتلای شناخت انسان از جهان در جهت ایجاد یک جهان بینی درست و حقیقی بردارد. (ندیمی، ۱۳۹۲، مصاحبه) بنابراین هر نوع ارائه شیئی یا حضور انسان که به دنبال انتقال برداشت‌های شخصی و یا نگاه از دریچه‌ای متفاوت و غیر منطبق با حقیقت وجودی اثر باشد بر اساس دیدگاه اسلامی مطرود است. (قرآن کریم، شعرا: آیات ۲۲۴-۲۲۷) در حقیقت موزه باید با تعریف ارتباط درست و جایگاه حقیقی اشیا و مفاهیم با عالم وجود، حرکت تکاملی انسان با فطرت حقیقت جوی او را هماهنگ کرده تا مسیر را به سمت شناخت حقیقت و شناخت خداوند یکتا رهنمون سازد. به عنوان نمونه می‌توان به نوع ارائه یک در قدیمی در نمونه زیر توجه نمود.

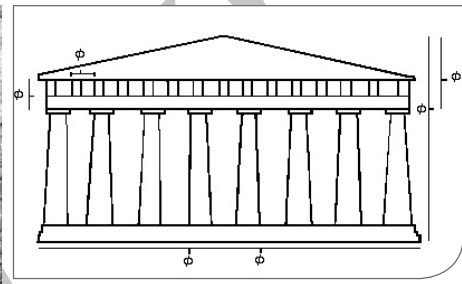
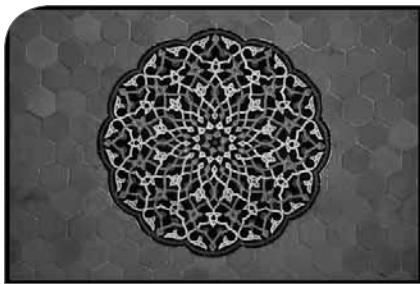
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش (مولوی)

عالم را تربیت نموده و فهم ما از صورت‌ها را اعتلا می‌بخشد.

هرکو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
نقشش به حرام از صورتگر چین باشد
جام می و خون دل هریک به کسی دادند
در دایره قسمت اوضاع چنین باشد
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود
کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد(حافظ)

حقایق، زیبایی‌ها و اصولی در عالم دارد که آدمی ممکن است در فرآیند زندگی روزمره غافل از آن باشد. (مصاحبه، ۱۳۹۲) با توجه به تاکید بر خورد آیه‌ای اقتباس تنزیهی از عالم و ارجاع به مفاهیم والاتر در تفکر اسلامی پذیرفته است. ولی این دلیل بر آن نیست که آثار از رویکرد تشبیهی خالی باشد. بلکه باید علی‌رغم رعایت ویژگی‌های تشبیهی، صورت‌ها دارای معانی و مفاهیم والاتر نیز باشد. (اردستانی، ۱۳۸۹) در واقع ارزش ذکر در بنای موزه در اینجا مشخص می‌گردد که نوع رجوع ما به

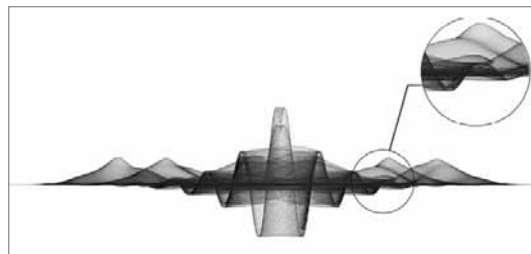
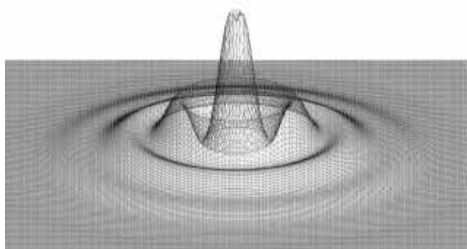


شکل ۴. نمونه‌ای از برخورد تنزیهی در تزئینات مسجد جامع یزد- مأخذ: نگارنده

شکل ۳. نمونه‌ای از برخورد تشبیهی از عالم در ساخت معماری مأخذ: اینترنتی

و آن را در بر خواهد گرفت. بنابراین در تعریف موزه رویکرد «سامانه‌ای» با این بنیاد توصیه گردید بدین صورت که نهادی در هسته با نام موزه وظیفه ارائه نمودی از شناخت حقیقی را با هدف تذکر-از طریق رعایت دو ویژگی قبلی- به عهده دارد. در واقع این هسته سرنخ‌های کشف حقایق را به انسان ارائه می‌دهد که از طریق ساری و جاری شدن این شناخت در تمام شهر اسلامی و بافت اطراف خود، پستر مناسب برای درک حقیقت را، بصورت یک شبکه وحدت‌گرای چندلایه فراهم می‌نماید. (اکبری‌ان، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۹۵)

۴-۱-۵. پیوند همه جانبه (ارتباط با تمام اجزا بصورت سلسله مراتبی)
تمدن و فرهنگ و جهان‌بینی و ارزش‌های یک جامعه را می‌توان به مثابه یک ارگانیزم باز، زنده و پویا تصور کرد که جامعیت و مانعیت این ارگانیزم، امکان حذف یا اضافه کردن بخشی را از آن یا به آن نمی‌دهد. (هنرسرا، ۱۳۸۶) بنابراین اساس این نهاد نمی‌تواند مقید به یک ساختمان خاص باشد؛ بلکه در تمامی مناطقی که اجزاء ملموس و غیرملموس تمدن و فرهنگ آن جامعه حضور و نفوذ دارند، گسترش خواهد یافت



شکل ۶. الگویی از مطالب مطرح در موزه - مطالب موجود در موز بصورت یک شبکه وحدت‌گرای چندلایه مأخذ: هنرسرا، ۱۳۸۶



مطرح شد. معرفت نسبت به مقولاتی تأکید گردیده که در دو دسته کلی قابل بررسی است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۰-۵۵)

۱-۲-۵. شناخت بافت انسانی (فرهنگی تمدنی)
 اساساً فرهنگ و تمدن پدیده‌ای انسانی است، شناخت آن در گرو شناخت انسان‌هایی است که بانیان و باعثن حدوث آن بوده‌اند و از همین روست که شناخت انسان و انسان‌شناسی را منشأ شناخت هستی و به مثابه علم به خالق آن معرفی کرده‌اند.^{۲۸} بنابراین لازمه شناخت درست، شناخت نظام روابط و تعاملات جامعه انسانی در طول تاریخی است که تمدن بر اساس آن شکل گرفته و رشد یافته است.

۲-۲-۵- شناخت بستر طبیعی (ویژگی‌های زمانی-مکانی)
 از مهمترین عوامل در شناخت فرهنگ و تمدن منبعث از آن، طبیعتی است که بستر تکون آن به شمار می‌آید. طبیعت بسته به جهانی‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت، تعاریف متعددی را شامل گشته و ابعاد وسیعی می‌یابد، لذا در اولین قدم ضروری است تا آنچه منظور نظر این مبحث از طبیعت است روشن و تبیین گردد. «طبیعت یعنی عالم جسمانی، عالم حرکت، همین عالمی که در آن زیست می‌کنیم و با حواس خود با آن در ارتباط هستیم.» (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۵)
 بنابراین موزه، باید با بیانی حقانی از انسان، طبیعت و رابطه تعاملی ما بین آنها از گذشته تا کنون را برای نسل امروز به تصویر کشد. در این صورت موزه بیانی از یک روال و یک منوال از همزیستی انسان با طبیعت پیرامون خود، خواهد بود تا ارزش‌های مغفول فرهنگی و تمدنی در طول زمان، مورد بازشناسی و یادآوری قرار گیرد.

مهم‌ترین بناهایی که وظیفه حفظ و اشاعه ارزش‌های فرهنگی-تمدنی جوامع را به عهده دارد موزه‌ها می‌باشند.

آنچیز که حائز اهمیت است نحوه برخورد با مقوله شناخت در این بناست. در راه احیای شناخت حقیقی، واقعیت دنیای امروز و سیطره علوم تجربی را نمی‌توان منکر شد، بطوریکه در کشوری اسلامی مانند ایران نیز دیده می‌شود که برای حفظ

۵-۱-۵- توجه به شبکه وحدت‌گرایی چندلایه
 این عبارت که قبلاً در ویژگی لزوم برخورد آیه‌ای موزه مطرح گشت ناظر به این مطلب است که مباحث ارائه شده در موزه در صورت و موضوع شاید دارای کثرت باشد ولی بر اساس دیدگاه اسلامی همه جلوه‌ای از یک حقیقت بوده و به یک موضوع واحد ختم می‌گردد. بنابراین باید در تمام ارائه‌ها و تذکرها هیچگاه از توجه به حقیقت وجود غفلت نشود.

که یکی هست و هیچ نیست جز او
 وحده لا اله الا هو (هاتف اصفهانی)
 تفکر رفتن از باطل سوی حق
 به جز و اندر بدیدن کل مطلق (شبستری)

۲-۵. محتویات موزه

برای فراهم آوردن حضور بی‌واسطه در بطن یک نظام بهانه‌ای لازم است تا این بهانه‌های زمینی ظرف مفایم معنوی گردد. شاید بتوان پذیرش نهاد موزه را انجام همین نقطه شروع و بهانه‌ای برای درک درست کل عالم دانست. والا همانطور که گفته شد خصلت ذکر لازمه تمام بناهای شهر اسلامی است و شاید حضور آن در بناهای مثل مسجد و مدرسه چه بسا ضروری‌تر از موزه باشد. (اکبری‌ان، ۱۳۹۱: ۱۷۲)
 در این رویکرد، فهم آگاهانه و هوشمندانه جایگاه خود و سطوحی از شناخت در باب موضوعی که به آن پرداخته می‌شود، از مسائل ضروری است که در شناخت بافت‌های تاریخی و انسانی باید بر آن اشراف وجود داشته باشد. در جهت یافتن شناخت حقیقی در بین آیات قرآن و احادیث اسلامی در ذیل مفهوم ذکر و توجه به ارزش‌های فرهنگی تمدنی که قبلاً اهمیت آن

۶. جمع‌بندی

از آنجاکه آدمی همیشه فطرتاً به دنبال اثبات هویت خود و ثبت اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایش از طریق معماری و هنر بوده، وجود بناهای عمومی که در هر زمان و مکان، بار انتقال ارزش‌های آن تمدن و فرهنگ را به دوش می‌کشد، دارای ریشه‌ای تاریخی به قدمت عمر بشر می‌باشد؛ این در حالی است که در دنیای معاصر که کم و بیش تحت تأثیر اندیشه‌های مدرنیسم قرار دارد، یکی از



عالم و درک سطوح مختلف حقیقت مندرج در آن می‌باشد. تا با قرارگرفتن بی‌واسطه انسان در بطن یک حقیقت و چشیدن طعم آن از آسیب‌های شناخت مجازی به دور باشد. تأکید بر لزوم برخورد آیه‌ای با موضوعات در تعریف این پژوهش نیز بر خوردی است که با نمایش درست و استفاده نظام‌مند از شرایط تشبیهی-تنزیهی و یا تمثیلی-تأویلی در نهایت نمودی از حقیقت هستی را به منصف ظهور می‌رساند. و بالاخره در تعریف جدید باید به رویکرد سامانه‌ای توجه شود، بطوری که موزه طراحی شده یک نهاد منفک از جامعه و مختص افراد خاص نبوده، بلکه به عنوان یک نهاد فرهنگی در جهت اعتلای فهم افراد در پیوند تعریف شده با بافت اطراف خود-البته با توجه به مقیاس کارکرد آن- بوده و به نوعی جهان و بافت اطراف خود را برای مخاطبان خود معرفی می‌نماید.

از طرفی باید توجه داشت که برای شناخت حقیقی جدا از پیوند حقیقی، باید تمام اجزا و جوانب یک جامعه اعم از فرهنگ و تمدن و تاریخ و طبیعت آن را نیز در نظر داشت تا شناخت بصورت همه جانبه و کامل صورت گیرد. مهم‌ترین موضوعاتی که در موزه اسلامی جای ارائه دارد، فهم آگاهانه و هوشمندانه جایگاه انسان در آفرینش و همچنین شناخت طبیعتی که بستر تکون آن به شمار می‌آید و تعامل و رابطه بین این دو است. آنچه که در نظام زندگی مبتنی بر سنت قابل پیگیری و ردیابی است، بنابراین هرآنچه از بازی و یا اشیا به بهانه حضور و نقطه شروع ارائه می‌گردد همه باید در نهایت به آنچه بر مبنای ذکر ارائه شد ختم گردد.

ارزش‌های خود و انتقال آن به نسل‌های بعد از این بنا استفاده می‌شود^{۲۹}، ولی باید توجه نمود که بر اساس تفکر اسلامی و مقام ذکر انتخاب این بنا با پیشینه تاریخی و جهان بینی که در نهاد آن نهفته است برای ارائه شناخت اساساً قابل قبول نیست ولی چنانچه بخواهیم بنا به اتفاقات فضای معاصر کشور قدمی در راستای کاهش آسیب‌های آن برداریم، می‌توان گفت اساس بناهایی چون موزه برای حفظ و اشاعه ارزش‌ها نیز به شرطی پذیرفته است که از آسیب‌های ناشی از تفکر جزء نگر مدرن به دور باشد. رویکرد این نوشتار برای احیای شناخت حقیقی در موزه توجه به مفهوم ذکر در فرهنگ اسلامی است، چنین موزه‌ای در صدد، فراهم کردن بستری متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موزه برای تأمل و اندیشیدن (به طور کلی)، و همچنین بازشناسی و یادآوری ابعاد هویت فرهنگی و تمدنی ایرانی-اسلامی و از طریق برخورد آیه‌ای در جهت بازشناسی جایگاه حقیقی انسان در عالم هستی می‌باشد.

از جمله مهمترین ویژگی‌های چنین موزه‌ای، ارائه یک پیوند حقیقی با عالم است. بنابراین موزه به جای آنکه یک شیء را از مکان و زمان خود جدا کند و با یک ارائه مبتنی بر تفکرات شخصی معنای حقیقی آن را در پیوند با عالم تنزل دهد باید شیء و یا مفهوم را در بستر زمان و مکان خود و در پیوند حقیقی با عالم ارائه نموده تا از این منظر موجب اعتلای معنا و تحول در فهم گردد. وجه دیگری که از واژه ذکر برداشت می‌شود حضور قلبی است و بنابراین موزه باید از تمام امکانات و حواس برای ایجاد موقعیتی برای حضور انسان و مواجهه او با



1. Phenomenological Research

۲. اصولاً پدیدار شناسی سه جریان اصلی دارد که مرحله مقدماتی آن را به برنتانو (۱۸۳۷-۱۸۴۸) نسبت می‌دهند و مرحله آلمانی را مربوط به کوشش‌های هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) و هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۳۸) می‌دانند و مرحله فرانسوی تحت تأثیر نظریات مرلو-پونتی (۱۹۰۸-۱۹۶۱) و سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰) و دیگران می‌باشد. در هر حال همه آنها هدفی مشابه دارند و روش‌های تجزیه و تحلیل آنها با هم، هم پوشانی دارد. (عابدی، ۱۳۸۹)

3. Mousein

4. Museum

5. Muses

6. Zeus

7. Mnemosyne

۸. چشمه‌ای که در مقابل معبد منموسونه الهه یاد جریان داشت و اعتقاد بر این بود که انسان برای حلول در جسم مادی از آن نوشیده و خاطره دنیای ازلی خود را از یاد برده (دبیری‌نژاد، ۲۰۱۳: ۱۳۸۴)

۹. آثاری است که انسان برای تکمیل نقص‌های بدنی خود از آنها بهره می‌برد. مانند چاقو، لباس، و ...

۱۰. آثاری که با توجه به قراردادهای جوامع انسانی، با آنها صاحب قدرت و جاه می‌شود. مانند ثروت و ...

۱۱. آثاری که وابسته به مفاهیم ماورایی بوده و شناخت انسان از هستی وابسته است مانند معابد، مجسمه‌های هنری که نماد خداوند است و ...

۱۲. البته باید توجه نمود که دین از ابتدای پیدایش حضرت آدم بر روی زمین وجود داشته و این مرحله از تاریخ که توصیف گردیده به معنای اینکه هنوز دین به وجود نیامده نیست، بلکه نوعی انحراف در بشر است. در مورد این بخش از تاریخ موزه بیشتر پژوهش متوجه یونان باستان است. در یونان به تدریج دین از زندگی مردم کنار رفت و فلسفه جایگزین آن شد. رشته‌های خاصی از فلسفه یونان بذر جداسازی دیدگاه بشر از آموزه‌های دین وی را در غرب پاشید. این بذرها در عصر رنسانس و با تضعیف تمدن مسیحی در قرون وسطی رشد و پیوند دین مسیحی و فلسفه یونان که توسط فلاسفه مسیحی آن دوره به وجود آمده بود؛ سست کرد. (اکبریان، کاظمی، ۱۳۹۲)

13. rinascenia

14. Subject

15. Object

16. Mind

17. Subjectivism

18. Art

۱۹. به عنوان نمونه می‌توان به موزه‌های یهود در برلین و موزه هولوکاست در اورشلیم اشاره کرد.



۲۰. که البته شاید همین تحریف در تورات و تأکید دین بر عدم شناخت انسان را بتوان پایه شکل‌گیری جنبش رنسانس دانست. آنطور که مطهری می‌گوید. «این است که شما می‌بینید که در دنیای اروپا یک مسئله فوق‌العاده مهم، مسئله تضاد علم و دین است. ریشه آن در عقاید مذهبی مسیحیت و یهودیت که یا باید دین داشت و به بهشت نعمتها رفت. اما چشمه‌های بسته باشد، و یا اگر چشمه‌های باز شد باید بر وی در فلاکت زندگی کنی. اما قرآن داستان نزدیک شدن آدم به آن درخت را بعد از داستان "و علم ادم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه فقال انبیونی باسماء هؤلاء ان کنتم صادقین" ذکر کرده است، و دیدگاه اسلامی دلیل بیرون شدن آدم از بهشت را اینگونه: آدم به لوازم شناخت خود، به لوازم شناسایی خود عمل نکرد. شناخت، جهان‌بینی می‌دهد، جهان‌بینی ایدئولوژی می‌دهد، و ایدئولوژی عمل می‌خواهد. (مطهری، ۱۳۶۷-۲۸) ولی تورات می‌گوید از اول به او گفتند شناخت پیدا نکن، چون شناخت پیدا کرد و چشمه‌های باز شد به او گفتند برو بیرون، و آن درخت، درخت معرفت بود. (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۰)

۲۱. سنت الله لا تغییر له و لا تبدیل له

۲۲. با نظر به داستان چینیان و رومیان در امر نقاشی (غزالی، ۱۳۵۲: ۲۲)

۲۳. وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

۲۴. اکنون لازم است به بعضی از آیات اشاره شود: * [احزاب: ۲۱] بنظر می‌آید مراد از ذکر در این آیه اعم از یادآوری و ذکر به زبان باشد. * [مدثر: ۵۵]، عبس: ۱۲. یعنی آن یادآوری است هر که بخواهد آنرا یاد کند به نظر می‌آید مراد یادآوری است و شاید اعم باشد. صحبت درباره «تذکره» گذشت و خواهد آمد. * [بقره: ۱۵۲] ظاهراً اعم مراد است و آیه عجیب و نوید بخشی است هر که خدا را یاد کند خدا او را حتماً یاد خواهد فرمود «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّقُ الْمِعَادَ». * [کهف: ۶۳] مراد از ذکر در آیه یادآوری است زیرا با نسیان مقابل آماده است. [انعام: ۱۲۱] ذبیح‌های که وقت ذبح آن نام خدا برده نشود خوردن آن حرام و در این آیه از اکل آن نهی شده است و در «ذکی» خواهد آمد انشاء الله. * [بقره: ۲۸۲] تذکره به معنی پند دادن و چیزی را یاد کسی انداختن است طبری در ذیل آیه فوق گفته: ذکر متعدی به یک مفعول است و اگر به باب افعال یا تفعیل بردی متعدی بدو مفعول شود معنی آیه چنین است: اگر یکی از آن دو زن فراموش کند دیگری شهادت را به یاد او آورد. * [ق: ۴۵]. [ذاریات: ۵۵]. تذکر در این آیات و نظایر آنها بمعنی یاد آوردی و پند دادن است. * [فاطر: ۳۷] تذکر چنانکه گفته شد بمعنی توجه و یادآوری و پند گرفتن است شاید مراد از آن یادآوری پی در پی باشد که یکی از معانی تَفَعَّلَ است در آیات [آل عمران: ۷]، [ابراهیم: ۵۲]. [انعام: ۱۲۶]. کلمات مورد بحث همه از باب تَفَعَّلَ است و به احتمال نزدیک به یقین یادآوری و پند گرفتن مداوم و پی در پی از آنها مراد است. و تا در آنها روی قاعده اعلال مبدل به ذا و در آن ادغام گردیده است. * [یوسف: ۴۵]، (قاموس قرآن، tebyan.com، ۱۳۹۲)

۲۵. در زبان فارسی کلمه «یاد» معادل کلمه ذکر است که به خوبی معنای آن را می‌رساند و از این جهت می‌توان گفت که کلمه ذکر از معدود واژگان عربی است که معادل فارسی آن به صورت منفرد و بدون ترکیب، کاملاً معنای ذکر را می‌رساند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴: ۱۱)

۲۶. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۹۰)

۲۷. نظیر این برخورد را می‌توان در مورد موزه یهود لیبسکیند مشاهده نمود

۲۸. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ

۲۹. نظیر موزه‌های دفاع مقدس در ایران

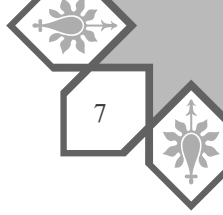


منابع:

۱. اکبریان. مجتبی، یزدانفر. سیدعباس. ۱۳۹۲. بررسی پدیدارشناسانه معماری موزه بر اساس دیدگاه اسلامی، اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی، آذرماه ۱۳۹۲
۲. اکبریان. مجتبی، کاظمی. محمد. ۱۳۹۲. دیدگاه‌های متفاوت بشر به جایگاه طبیعت بر اساس نظرات آیین بودایی و آراء دکارت، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، فروردین ۹۳
۳. ارجمندی. ابراهیم، ارجمندی. اسماعیل، (۱۳۹۰)، هفته‌نامه فرهنگی سایبری رویکرد، شماره سوم، بیست‌وهشتم بهمن ماه ۱۳۹۰.
۴. اسفندیاری، سیمین. ۱۳۸۸. سوبژکتیویسم دکارت: نقطه عزیمت فلاسفه عصر جدید، نشریه حکمت و فلسفه، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱۳-۱۲۸
۵. آوینی. سیدمرتضی. ۱۳۷۷. آیا تاثیر زنده می‌ماند، نشریه هنر و معماری صحنه، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷، صفحات ۵ تا ۱۰
۶. بلخاری. حسن. ۱۳۸۹. زن و هنر، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۹
۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۸۸. مقاله‌ی پدیدارشناسی دین، مجله دین پژوهی، شماره ۲۱.
۸. حسینی. سیدباقر، یزدانفر. سیدعباس. ۱۳۸۷. نمادگرایی در اندیشه متفکران اسلامی و بازتاب آن در آثار معماران معاصر ایران، مجله آبادی، شماره ۵۴
۹. رنه گنون. ۱۳۸۲. کلمه و نهاد، ترجمه فرزانه طاهری، مجله خیال، شماره ۵
۱۰. شیرازی، محمدرضا. ۱۳۸۹. پدیدارشناسی در عمل آموختن از تحلیل پدیدارشناختی پالاسما از ویلا مایرآ، دو فصلنامه آرمانشهر، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۲۵ تا ۱۳۲
۱۱. علاء‌الدین. سیدمحمدرضا. ۱۳۸۲. معماری ذکر و معماری غفلت از منظر قرآن کریم، مجله کوثر، تابستان ۱۳۸۲
۱۲. فن‌نادری-رینر. ۱۳۸۸، دوفصلنامه معماری ایران، شماره ۳۶-۳۷، تهران
۱۳. نقی‌زاده. محمد. ۱۳۹۱. ذکر عالی‌ترین ویژگی برای عالی‌ترین محیط زندگی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۳، بهمن‌ماه ۱۳۹۱
14. Cottingham. J and Stoothoff. R. 1998. Descartes. R. Selected Philosophical Cambridge, Cambridge University Press.
۱۵. اردستانی رستمی. حمیدرضا. ۱۳۸۸. تشبیه و تنزیه از دیدگاه سنایی و ابن عربی، ادبیات تطبیقی (ش ۱۱)
۱۶. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۰. سرشت نظم، ترجمه: سیروس صبری. رضا و اکبری. علی، تهران: پرهام
۱۷. بلخاری، حسن. ۱۳۷۹. بطن متن (قرآن؛ تأویل وهرمنوتیک) تهران: حسن افرا؛ چاپ دوم؛
۱۸. بهشتی شیرازی، سید احمد، (۱۳۸۲)، رباعی نامه، تهران، روزنه
۱۹. حسن خانی، خسروان، راهزانی، زارع و عابدی، (۱۳۸۸)، مبانی فلسفی پرستاری، تهران: انتشارات بشری.
۲۰. دبیری نژاد، محسن. ۱۳۸۴. موزه امروز دیروز فردا، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
۲۱. شپرد، آن. ۱۳۷۵. مبانی فلسفه هنر، ترجمه هی علی رامین، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۲. غزالی. ابوحامد محمد. ۱۳۵۲. احیاء علوم دین، ربع مهلکات، مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۳. قرآن کریم
۲۴. کاظمی، علی اصغر. ۱۳۸۶. روش و بینش در سیاست. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۵. مددپور، محمد. ۱۳۹۰. آشنایی با آرای متفکران هنر و زیبایی در نزد متفکران یونان و رم درباره هنر، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
۲۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷. مسأله شناخت، تهران: صدرا
۲۷. نفیسی، نوشین دخت. ۱۳۸۰. موزه داری، تهران: سازمان مطالعات و تدوین و سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول
۲۸. مصطفوی، حسن. ۱۳۶۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم،
۲۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷. مسئله شناخت، تهران: صدرا
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۳. یاد او، تدوین و نگارش: کریم سبحانی، چاپ سوم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
31. – Holl, S.2005. Thin Ice. In: Pallasmaa, J.2005. "The Eyes Of The Skin, Architecture and the Senses", London, Academy Edition: 6-8.
32. – Moran, D. & Mooney, T.2002. "The Phenomenology Reader", London, New York, Routledge.
33. Borg. W, & Gall. M.2003. Educational Reasearch, 6th edition, longman
۳۴. اکبریان، مجتبی. ۱۳۹۱. پارک-موزه کویر (یادمان طبس)، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مهندسی معماری گرایش بناهای آموزشی - فرهنگی، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
۳۵. مهندسین مشاور هنرسرای یزد. ۱۳۸۶. موزه منطقه ای کویر یزد، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد
۳۶. وبسایت رسمی ایکوم. ۲۰۱۲. /Museum Definition، <http://icom.museum/the-vision/museum-definition>
۳۷. قرائتی، محسن، ۱۳۹۱، وبسایت درس‌هایی از قرآن. <http://qaraati.noor.net/fa/fishview.html?ItemID=291&FishA>. articleID=20701
۳۸. قاموس قرآن. مهرماه ۱۳۹۲. وبسایت تبیان، <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=73578>
۳۹. گلپایگانی، علی ربانی. ۱۳۸۸. پدیدار شناسی ادموند هوسرل و هرمنوتیک، برگرفته از سایت: <http://www.ensani.ir/fa/content/92708/default.aspx>
۴۰. ندیمی، هادی. ۱۳۹۲. مجموعه سخنان کلاس حکمت هنر اسلامی، دانشگاه یزد، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳



**• Museum and Islamic view****• Mojtaba Akbarian***Master of Architecture, School of Architecture and Urbanism,
Iran University of Science and Technology**• Seid Abbas Yazdanfar****Architect PhD, assistant professor, School of Architecture
and Urbanism, University of Science and Technology**• Abstract**

Traditional societies and religious and public buildings and cities will always have a special role in the expression of the sacred, mostly common values that exalted the purpose according to God and the truths of existence were in charge with the advent of modernism and changing human relationship with the divine. While changing values and reducing it to a purely experimental purposes as the substantial part of this important mission, the Museum was transferred to the emerging phenomenon. In contemporary museum as an institution that can have the object and effect of its connection with the universe, the data to understand and supply the above mentioned fact is incomplete. Phenomenological approach to study the logic of museum features is through variety of word origins and roots of Arabic Genesis and evolution of the tradition of the modern concept of the museum. The results show that although the museum contains undeniable values by providing a platform for the generation and transfer of knowledge, but the kind of understanding that comes from looking at the human-centered, detail oriented and modern view, as notable flaw, is in need of revision. So in order to get closer to a true understanding of the concepts mentioned in Islamic culture, focus on its proper relationship with the human - nature of the museum is defined. Museums as a special institution in the universe, In connection with its defined, is trying to link a range of natural history and natural places, with a verse approach towards spiritual and cultural - culture, memory and the representation In order to understand the growth and development of human life and reasonable relation to the actual creation step.

Key words:Museum, subjectivism, mentioning, knowing, verse